



انگن مرکزی غرب توده ایران

نقش خیانتکاران در شرایط کنونی مبارزه

امیرالیم بر تو کران حلقه بگوش استوار
 هم سفت میگردد و همسیر را که دستگاه
 خاک انگلستان برای ملت خود فراهم
 آورده بیست و هفت مبعده ، آری فقط
 این مردمان که انگلستان حرب ما مانده
 خاری در بدن آنها بود هر چه میخواند
 آلت اجرائی خاصه بپوش دستگاه خاکه
 گردید ، و حقا بر علیه منافق و خنکشان
 قدم بردارد .

تیمت و اقرا سلاخی که در فتنان ما در
 سابق جان تو سلی میبسته با کمر گر
 میماند ، چنین نشان تاثیر صلی مبارزات
 ما با دشمنان ملت گریه و جنس بر حسی
 است که دستگاه خاکه نسبت جرم مبارز
 ما و اعدای باقیانست آن ابراز میبازد .
 بهترین نشان درستی از بولوی و تصور
 صلح حرب بوده ایران حیثیت و اعتبار
 روز افزونی است که جرم مبارزان بوده
 مردم بدست می آورد .

مبارزه دلیرانه و سرسخت حرب ما
 در جریان حوادث اخیر با وجود فشار و
 تحقیرات راهبردها و فرهنگسازهای مانگا ،
 دشمنان ما را نیز به اصاب و اذیتان است .
 امروز دیگر سلاح رنگه و ده و پوسیده

آری این مردمان هستند که مانده
 مانوری پشت کرا گمی جوانان توده ای
 را در خاندانها تقسیم باساینها میبندد ؛
 هم اینها هستند که میگویند ما با پیروی
 از سوسیالیست طیفان خاکه و با روشهای
 پشت و ناموسداده ، در مقابل خنکشان
 همین مانع غافل برآید و هر چه
 میخواند آنها شکست زده آورده ؛ هم .
 اینها هستند که جرم و پوسیدگی گن اجناس
 و بان نیست و اقرا و بر طرفهای پشیمان
 میکنند با قانعان ابرار حیثیت و اعتباری
 برای خود تحصیل کند و بهتر بپوشد ؛
 صلیان فتنان آورده اند و همه
 صحت این است که با وجود این خنکشان
 بر علیه اعدان و غافل انگن ، آنها خیر
 منافع صیه دمو کراتیک جهانی دوستان
 ۲ صفحه در صفا ۲

دشمنان خاکه یا تمام لایخی که
 برای غشوف کردن صدهای ما میکند هر
 روز فتنه افرایش خود و اعتبار حرب
 ما در میان مردم است . او با تمام قوا
 میگوید که از طرفی انسانهای توده ای
 را بر افغان انگه و از صفا مبارزه دور
 سازد و از طرف دیگر طیفان صحرود و
 زسنگ را که خود جرم فتنه ایران
 حلقه زده و آرا تها را در نصرت خود
 برینته از گرد حرب برآید ، در این
 میان فقط افرادی که منافع زسنگشان
 پشت با زده و صیه منافع و دمو کراسی
 جهانی حیثیت فریاده اند ؛ آلمانی که
 برای تحصیل طراز از دست رفته بریزد
 پس آن فریاده و به نصرت و زور و
 چا گرانه میبندد ؛ آلمانی که در میان

داس مرگ هم میهنان عزیز ما را درو می کند

آنها مانده است آخرین ذخیره
 خویش را که از فروش لایحترین اسباب
 زندگی فراهم آورده اند ، صرفی ساخته
 و دیگر آنها چه بساط بقا دارند . با این
 وضعیت آنها چه فکری میخواند برای
 خود بکنند ، زمانیکه همه اعدای بیگاری
 و هر منافع میبندد ؛ آنها چرا بکنند
 و رنگی ، بی خاسی ، سرما ، فلاکت
 و مرگ باشند ؟
 و ما و صدها هزار دهقان لغت
 پارچه ، قهر و سیکار از دست استعمال
 خار و دماغهای صحرود خود را بر سر دست
 و چون نان در دهان گذاشته و با دست
 آنها را گرفته پای پیاده بطرف شهرها
 و پیشنها پشیمان روی آورده اند ، هر
 قط وضع آنها را بین تا همیشه که
 اسباب بیچگونه سؤال و جوابی مبارزه
 و خودنشان میبندد فلاکت کنند و مرگ
 نصیب آیند آنها را حدس برید و بشریح
 قشون و بررسی زسنگشان خان و
 نالایی که مردم ایران را شین روزهای
 کشنده مانده بی برید .

معه گذشته فصل زمستان آسمان
 گردید . برای میلیونها مردم بزم روز
 کشور ما پیش آفتاب زمستان با لعی ،
 خرمساز و گرمی ، فلاکت عمومی و مرگ
 دست جسی مرده است . دو کشور صیا
 زمستان فصلی است که سرخوش طاقست
 فرسای و نه کسی مفلوک و مرگه فصیح
 هم میهنان ما را با روشنی و وضوح تمام
 در صحنه مشاهده حوم میگردد ؛ فصلی
 است که حالت و ریاضتی دستگیر میبندد
 غصه و فتنه را بر برده آشکار میکند ؛
 تلخات مردم فریاده و دایره نهران
 و روزنامه های مزدور و بلنه گویای وسی
 و نیم وسی دولتی را که با کمال پشیمی
 از تو جویان حالی مقامات حاکم پیروز
 وضع عمومی صحت میکند در مقابل
 سحاب تلخ و تاتر آورده زسک مفلوک
 مردم ایران میگردد .
 زمستان ایران فصلی است که همه
 فلاکت های اجتماعی مبین ما را با وضوح
 که حتی کوران هم میبندد مرخصی دارد
 و هجانات میبندد که حیثت خاکه فلد و
 نالایی ملی از فراهم آوردن اینه ای ترین
 وصال زندگی هم میهنان ما عاجز است
 و اوقات حکومت کردن را ندارد .
 در تهران بزان نصیحت ، از طرفی
 خود را در حرور و اذیت نشین جنوب
 پایتخت صیحه سیاری از این زلف ما
 که حتی برای زندگی حیوانات هم صیحه
 نیست در اولین برخورد با فتنه های
 باران و بران گردید ، دار و سار فاضل
 و سفیر ساکنین این زلف ما از زمین رفت
 و مردوسی لغت ، گرت و بر خاشان بیان
 خیابانها برنار شده تا لجهای روی اسفالت
 سرد خواب و اجساد بیروح آنها روز
 های چه سوی فرستاتوا کشیده شود .
 این سرخوش هم افرا و گرمی آورده تنها
 در انتظار همه زلف نشین جنوب تهران
 و همه مردم فقیر و سیکار پایتخت و شهرها
 نشسته است بلکه سرخوش است که
 اکثریت قریب با تانق ملشایران و اجدید
 میگردد . برده باز کارگران بیکار کوشیده
 های بی شمه در اسمعیان ، تیره و شنه
 شهرها ، هم ، امروز و تهران بر سید که
 خود فصل زمستان برای ملین زندگی
 فرود رفته اند و امشال کوچکشان چه
 کرده اند ؟
 پاسخ این سؤال شلی واضح است

زحماتگشان سراسر جهان

هفتاد سال تولد آموزگار و رهبر خود را
 با شور و شرف زالدالوصفی جشن میگیرند

روماری ، خنکشان ، آلمانی ، فرانسوی ،
 کسری ، صحرود صلی چین و صحرود
 دمو کراتیک آلمان صیحه ای روس با صفت
 و صیحه ای پشیمان برای ترکند در این
 مراسم بر شکر و وارد مسکو فتنه دست
 سانه کی صحرود توده ای چین که در
 و اس آن مانولنه توگک فرزند
 لیسان انقلاب تسار داشت پیش از همه
 جلد خط میگرد . مانولنه توگک آمد
 و در نهران صیحت و خنکشان صلیبارد
 ما گن ، سرخوش آفتابها صیحه ای خرم
 منگتور خوراما تقدیم دارد .
 حضور مانولنه توگک در مسکو آهم
 در جشن تولد آستان میچون پیک برینز
 میبندد ایران امیرالیم فروز آمد .
 جشن تولد آستان در صیحت سایش
 مطیع و ملاحظه بیرومای بیگران منافع
 و دمو کراسی و صیحه ای نظریه صحت
 کتلت منگتور خوراما میل گردید . مردم
 آزاد و شرافت جهان با همه کردن
 آزادترین نمه کفر خود و متنازین
 مسجون متری ملت خود و ولایت سایش
 مراتب سیکاری خود را از سیکاره
 هر صفتی صفا خویش و وقف مبارزه
 در راه آزادی زسنگشان عالم بود بدست
 بیله دوم صفا ۲

چهار صفا گفت (۲۱ و سایر) که
 معارف با صفت متفادین صلی تولد
 پیشوای محبوب صحرود و رهبر مایه
 از دو گنه مطیع منافع و دمو کراسی بود
 بیکار و دیگر اسطر و قلوب مردم فریاده
 سراسر صیحه بیخ مسکو ، خرمه کرمل
 منوج استالین گردید . صفا ملیون فر
 زسنگشان معه کتور خوراما از صفت صیحه
 اتحاد شوروی تا بره گن صیه پوست
 ارفخا ، از تولد و در صیحه جانگتور و زان
 بیخوق صنه ، از مردم آزاد دمو کراسی
 های توده ای تا سیکار و دایر دست ص
 و انوشوری ، از صیحه جهان فتنان
 تا بریح کران برینده برده ، از صیحه
 سزوان شیکا گو تا صیحه سایش ترا سول
 از سایشان منیستر تا صیحه کران توتلیت
 همه و همه این روز بزرگ و فرشته را
 جشن گرفته . مراسم جشن در اتحاد
 شوروی و دمو کراسی توده ای صفت
 و جلیت خلی صیحه داشت . بیکه ۲۲ صفری
 که صیحه صیحه ای صیحه ای مانده ، مولوتوف
 شورویک ، مالکوف ، و زور شیفک ، بریا
 و سیکوکیان جزو آن بوده منور تیه و
 هرگز از صیحه دوجامه شوروی گردید
 بود . از شام کتور های دمو کراسی توده
 ایسکل ، چکوسلواکی ، مجارستان ،

نوه کوچک از این جرم صلی
 معه های اخیر جلوی چشم ما در تهران
 مشاهده میگردد . هزاران مردم بیکار
 مفلوک و پشیمان روزگار آتو نا جان از
 زن ، مرد ، پیر ، جوان و کودک پیاده
 تهران آمده و بخور و دست جسی در
 خیابانهای اطراف استگاه راه آهن
 و دیگر خیابانها و کوچه های جنوب
 گرت و پشیمان مرده زده ریخته شده اند .
 دستگاه خاکه اینجا دیگر توست خود
 را به غمی بر نه زبیرا وجود این صیحه
 در وسط خیابانهای تهران ساکن نبود
 تکلیب کرد . روز نامه ما شبرده اند که
 روزی ، اسلوجی صیحه صیحه ای سیز و زان
 را و پشیمان صیحه زده و صیحه صیحه
 سیرانهای دولتی پشیمان این صیحه صیحه
 تیره روز و افول سیکه و مرگ آنها
 را به ادامه زندگیشان ترجیح میبندد .
 زورده این صیحه پشیمان ناان اعزاز صیحه
 توجه کرد که سلف نصت وزیر مزدور
 صیحه صیحه صیحه ای پوچی که روز
 ۲۱ آورده صیحه کتلت و دستگاه مردم
 آفریاجان بدست دوجامه ارتش و
 زالدالوصفی ایران نبود توست از این
 معه برینان روز گلر صیحه بیکه او
 بیله دوم صفا ۲

افتخارات حزب ما مانند خار در چشم دشمنان ملت فرامیرود

کارگران، ویتامان پیشه‌وران، مستخدمین
مدیرتربیع و مدیرتربیه

بازگشت به سلامت کشور ایران
نشان بزرگ کنید

اخبار ایران

نقش خیانتکاران در ...

چندی قبل کاروانی از اتباع آلمانی
شهران برشت و برشتار که هم‌اکنون
عسال سابق ستون پنجم نیز در میان
آنها بودند بایران اعزام و سرپرست
آنها را که در میان آنها بود در میان
کروان یکی از افعال معروف ستون
پنجم و بیگانه زانف با حقوق گران در
را. آلمانی استخدام شده است این مرد
با افعال پست ریاست ساختمان راند
آن اخبارات نامشروع را در میانه
پولتانی نام (جوان) یعنی افرادی
بطوری که شاید است ملک می
معاون وزارت خارجه آمریکا در مسافرت
چند ساعته بود بایران اقامت میسر
نمود که از آن جمله آزاد کردن دیگر
غبار و روشنی او و همچنین روی کار
آوردن مجسم شاعران بوده است.

و دست ۲۰۰ نفر می‌باشد
سال آنکه همه دستگیر است
جهانی یکبار برآید
میست مایست خانتکاران
و افلاک سات و آنها را
از جبهه خود طرد کرده
است.

مردم میهن ما برون طغی کارگر
در نتیجه هشت سال فعالیت جنگی نا پذیر
حرب تیره ایران امروز بجز ای از
و ده اجناسی رسیده اند که فریب
الفاظ و تقلب توخالی باصطلاح مایست
و نصیر و طرفداران انقلاب را تصورند
آنها بخوبی می‌دانند که تنها چیزی
که با اصول و روش صحیح مبارزه خود
را برای استقلال و حاکمیت ملت ایران
و نامی منافع و خستگان دیال می‌کند
حزب توده ایران است. برده نیرنگو

داس مرگ ...

و صد داد که آنها را به آذربایجان
برمیگرداند ولی برگردان به آذربایجان
باجان برای آنها بیک موطن خود را قایل
زندگی نفس نداد و برای پیدا کردن
قوت لایوت به دوره کرده افتاده اند
چه نتیجه ای دارد؟ درد اسیران نیست
که آنها در آذربایجان بسا در فواید
باشند. درد اساسی این است که آنها
بیکارند، گرسنه‌اند، لغت و بی‌حاشانه
درد اساسی این است که در نتیجه سیاست
خانتان و دولت دعات و بران شده زراعت
از میان رفته و این افراد مثل میسگی
خود را از دست داده‌اند. درد اساسی این
است که غیر از دعات جنگی دیگر برای
آنها کاری نیست زیرا کارخانه‌ها می‌بمانند
و کارگران مرتباً بیکار می‌شوند. بی‌شک
و روان و طغیان مونسف در مسایل فکار
مفادت فرساکوه کرده به اردوی فلاکت
و درگان ملحق می‌شوند، نجارت و کسب
بکلی شکست خورده و اقتصاد ایران
متلاطم برپسیده و مریای خودداری در
حال انهدام و برای است.

زحمتکشان سراسر جهان هفتادمین ..

آرامش نسبی نبوده و فتن آن مراب
سیاست‌گذاری و وفاداری خوش و
گنور سوسیالیسم و ارتش آزادیبخش آن
اراز داشته اند.

کارگران برده‌ایست بکندستگاه مرکز
تلش با چهارده نفر برنگه بافت در
کمال خرمندی و طرافت تهیه و تقسیم
استانین کرده‌اند. آن دستگاه طوری
تیه شده که وقتی کوفی آنها بر می‌دارند
بجای رنگ به اول سرودن ترانسپان
را می‌نوازند. گنوروزان فخرستان بهترین
میوه باغهای خود را مستحب نموده برای
استانین خشکوار فرستاده‌اند.
چند هفتادگی که زحمتکشان دناستک
به استانین تقسیم کرده‌اند. نامه ای است
بخط مارکس که تالیپ می‌نماید و تاکنون
در هیچ نشریه ای چاپ نشده است.
ساعت سازان خرمند زو دیده -
شمار پنج و بی‌ساعتی تیه و دستپوشی
مجبور خود همه کرده‌اند.
یک مایر دعای ابتدایی که در
فرزنده خود را در جنگ اخیر از دست داده
با انگشتان بیف خویش دستمالی برای
استانین گنوروزی نموده و آنرا فضا از
ده دور افتاده خود به دور آورده و حیثه
تیرک نامه ای که خط خود نوشته برای
ارسلان بسکو بکیت مایور جنس تسلیم
کرده است.

در چنین وضعی هشت سال که خان
ایران که خود بسا شرکت امپریالیسم
غالب بیکانه مشول اصلی این جنایت
است با کیسیون بازنیا، سخن برآی کسی ما
دروغ و ناپایا و هوام فریبی‌ها خود به
صل می‌بندی می‌نمواند بسریای رفع این
گرفتاریها انجام دهد، چه کاری برای
جلوگیری از مرگ دهه سی هزاران
مردم فکرتورده میهن ما می‌تواند کند؟
تجریه سالها، مامها و روزهای گفته
نشان داده است که هیچ جزایک روز.
بروز بروخاستان وضع پریشان بافرایه
گنورما و هم میهنان ما را بیش از پیش
فلاکت بکشاند. زمانیکه مردم ایران
دچار وضعی چنین وقت آورده شده‌اند
در امریکا و حال دولت در ایران فکر
آزاد به بوده جنگی و خریدار نیست برای
ننه نگاه داشتن مردم و فرهنگ در دست.
بندبهای پله مایر اجزای جنگ امروز
بجایا دولت سرمایه
امریکایی بایران و اظهار اشتیاق باهمراهی
فتنه اسارت آمیز هفت ساله که بدست
وزیران مرگ امریکایی برای گیتین
آفرین شده‌های حیالت ملت ایران طرح
شده است نشان می‌دهد که دشمن اینها
بیکارگی، فلاکت و مرگ و میر مردم
ایران برای آنها کافی نیست. آنها همانند
بیرسم ترین خونخواران از مرگ مردم
ایران لذت می‌برند و می‌خواهند با هر کردن
جیب خود و اداریان شلخی بیش از پیش
هم میهنان ما را بیشتران مرگ بفرستند

فاخرح بین از مراد چند بگر خود بار
دیگر صدای امریکارا در داد و بوته‌بان
و از در کرد. فرار بود این برنه‌ای
از پایا بخت مسافرت رسمی شاه قطع
شود و حتی چند شب هم قطع شد.
اخیراً در کنگر چندانش سلون
دایان نمودن گران که در فورم تشکیل
گروهی اوضاع ایران مورد بررسی
و دقیق قرار گرفت. قطعتهای از طرف
کنگره داتر بیکوتی و زیم ایران
و تحقیقاتی که در امر آزادی‌های فردی
و انسانی و آزادی اشخاص می‌شود
مادر و تبسم گرفته شد که بطوری
ملل متعل شعبه اعتراض شود و
کیسیون برای تحقیر و تیش رسا
بایران اعزام کردند.
در کنگر انجمن آلمانی اتحادیه ما
که در یکن تشکیل کرده گزارش
سایتی ایران در باره وضع فلاکت‌بار
و اسف انگیز مملکت کارگر ایران و
نیفتانی که دست به اتحادیه‌های
و انجمن آن حمل می‌آید مورد توجه
قرار گرفت و تصمیم به اعزام هیئتی
بسنطور بلژیکی به این کشور اتخاذ
کرده.

اینجا نمونه کوچک و ناچیزی از
ملاقاتی بیکسرن و وفاداری بی‌شمار
معامله میلیون نفر مردم ساده و سوزی
سراسر جهان، مردم طبقه اکثر
و مگر کراسی نسبت سیه انگیز
گنور مقصد سوسیالیسم و پیشروی
خرمند و نامه آن استانین بروگه است.
این ناسیب مقبوضه امپریالیست میسگی
و اتحاد ملل در همین حال استعار جنی
دیگری بود به آتش افروزان جنگ‌خیز
و سرودمداران جبهه امپریالیسم که بی‌بوه
کوشش دارند بیکار و دیگر مردم بیچار
جهان را در خشک و خون غرقه سازند.

اما مطش باشد که این سرایت شوم و
خوردن و جنایتکاران آنها بری نعوامه
باید، آنها با حال این سیاستهای خشن
و خناساز و تیش مطلق از منافع
امپریالیسم شلخی در حقیقت گور خور
میکنند و مسکوت قانعانه خوش رایش
از پیش منزلت میسازند.
ملت ایران برهبری حزب
بزرگ توده ایران و قهرمان
آینده رفاه و سعادت ملت ما، این
باط جور و جنایت و فساد را در
هم خواهد پیچید و خود بر سر
قوت خویش مسلط خواهد شد.

آنها متعاضه میکند.